



دکتر رضا عابدی گناپاد  
پژوهشگر مسائل افغانستان و مدرس دانشگاه  
همکار در مرکز مطالعات آمریکا

## نگاهی به افغانستان مطلوب و سازگار با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

### چکیده

با انجام توافق دوحه میان آمریکا و طالبان در فوریه ۲۰۲۰، شاهد فروپاشی نسبتاً سریع دولت مرکزی و حاکمیت مجدد طالبان در افغانستان بودیم. ظهور مجدد طالبان بر مرزهای مشترک بیش از ۹۰۰ کیلومتری ایران با افغانستان، به تشدید نگرانی‌ها میان بخشی از دولت مردان و مردم ایران منجر شد. البته جمهوری اسلامی ایران، چند سال پیش از تصرف مجدد کابل توسط طالبان، با وجود اختلاف‌های اساسی ایدئولوژیکی و مذهبی میان خود و این گروه، برای حفظ منافع خویش، سیاستی عمل‌گرایانه را اتخاذ کرد. به طور مثال در سال ۲۰۱۸، هیئت طالبان به صورت علنی در تهران حضور یافت و از مدت‌ها پیش از آن نیز سخن از این بود که طالبان در ایران، چند دفتر و نمایندگی نیمه علنی دارد. علی‌رغم این سیاست عمل‌گرایانه و خشنودی بخشی از ایرانیان از شکست آمریکایی‌ها در افغانستان، پایان عمر رژیم غرب‌گرا و دارای برخی مواضع و رفتارهای ضد ایرانی، شاهد

شکل‌گیری تحلیل‌های متعددی در خصوص آینده افغانستان و تأثیر حاکمیت مجدد طالبان بر منافع ملی ایران، در سطح رسانه‌ها و محافل آکادمیک بودیم. در این میان، بارها این پرسش مورد توجه قرار گرفت که افغانستان مطلوب و سازگار با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، چگونه خواهد بود؟ لذا با عنایت به همسایگی ایران و افغانستان و پیوندهای تاریخی، فرهنگی، تمدنی و زبانی به درازای تاریخ، تلاش می‌شود که در ادامه، به تبیین پاسخ این پرسش مهم و حیاتی پرداخته شود. اگر امنیت ملی را در تعریفی ساده، نبود تهدید برای یک واحد سیاسی برشماریم، قدرت‌یابی مجدد طالبان از چند جهت، می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران، خطر ساز تلقی شود:

**از حیث نظامی و امنیتی:** در توافقنامه صلح طالبان و آمریکا در دوحه، سازوکارهای عملی برای جلوگیری از استفاده از خاک افغانستان علیه امنیت آمریکا، پیش‌بینی شده است. با عنایت به بلوکه کردن پول‌های افغانستان توسط

آمریکا و وابستگی این کشور به کمک‌های خارجی و تلاش طالبان برای دستیابی به مشروعیت بین‌المللی، امکان همکاری میان این گروه و آمریکا در آینده، علیه ایران وجود دارد. لذا بر این اساس، برخی از تحلیلگران نگران تأسیس کانون نظامی و امنیتی تازه‌ای در جوار ایران هستند. با مدنظر قرار دادن این سناریو، می‌توان نگران فعالیت گروه‌های برانداز، قومیت‌گرا، تروریستی و حتی فعالیت‌های احتمالی رژیم صهیونیستی و آمریکا در مرزهای شرقی کشور بود. به نظر می‌رسد که آمریکایی‌ها، می‌توانند علاوه بر رژیم صهیونیستی بر روی پاکستان، عربستان سعودی و امارات عربی متحده نیز حساب باز کنند.

**از نظر اقتصادی:** با حذف دولت اشرف غنی، دیگر خبری از کمک سالیانه چند میلیارد دلاری خارجی به اقتصاد افغانستان نیست. حال، با قطع آن کمک‌ها، طالبان دسترسی به ۹ میلیارد دلار دارایی ارزی دولت افغانستان را ندارد و این امر، می‌تواند به مانعی بر صادرات ایران به افغانستان باشد. همچنین، اگر شرایط

اقتصادی افغانستان در آینده، سر و سامان نیابد، احتمال تشدید مشکلات اقتصادی و امنیتی و در نتیجه، افزایش مهاجرت افغانستانی‌ها به سمت ایران وجود دارد. برخی بر این باور هستند که توافقنامه دوحه میان آمریکا و طالبان، می‌تواند تبعات مهمی برای امنیت اقتصادی ایران داشته باشد که از آن جمله، می‌توان به احتمال محدودیت امکان فعالیت شرکت‌های ایرانی در افغانستان اشاره کرد.

**از حیث سیاسی و ایدئولوژیک:** اگر طالبان به دنبال اجرایی کردن همان سیاست‌های دوره حاکمیت اول خود باشد، به تقویت نگاه‌های رادیکال و تضعیف جایگاه اسلام سیاسی و گسترش نگاه‌های سلفی، منجر خواهد شد. این امر به هیچ‌عنوان با منافع جمهوری اسلامی ایران همخوانی ندارد. همچنین، افزایش فشار احتمالی به شیعیان و نادیده گرفتن حق تحصیل، اشتغال و کار زنان، یکی دیگر از مسائل مهم است. با عنایت به موارد ذکر شده، به نظر می‌رسد که افغانستان مطلوب و سازگار با منافع ملی جمهوری اسلامی

ایران در آینده، باید دارای این ویژگی‌ها باشد:

### ۱- لزوم تشکیل دولت فراگیر

بدون شک همسایگی ایران با افغانستانی ناامن و محل پرورش تروریسم، تهدیدهای مستقیم و غیرمستقیمی را بر ایران، تحمیل کرده است. افغانستان نه تنها با مشکل شورش‌ها و ناکارآمدی نهادهای دولتی مواجه است، بلکه از نوعی انحصارگرایی و عدم همگرایی درونی نیز رنج می‌برد. این انحصارگرایی و عدم همگرایی داخلی، به طور مستقیم کارکرد حاکمیت و نگاه مردم نسبت به آن را متأثر ساخته و بار منفی‌اش را افزایش داده است. لذا تنها راه بهبود وضعیت فعلی در نگاه مطلوب جمهوری اسلامی ایران، دستیابی به حاکمیتی فراگیر و همه‌شمول در جهت حفظ منافع تمامی اقوام و گروه‌های ساکن در این کشور است. به همین علت است که مقام‌های ایرانی، بارها از طالبان خواسته‌اند تا ضمن احترام به حقوق تمامی اقوام و مذاهب، به سمت حاکمیتی فراگیر و همه‌شمول حرکت کند؛ حاکمیتی که در آن، به‌ویژه حقوق



نظامیان آمریکا، به سرعت با سایر نقاط جهان قطع شد. از آنجا که فقر یکی از پیامدهای چند دهه جنگ داخلی، تجاوزهای خارجی و عدم شکل‌گیری افغانستانی باثبات و نیرومند است، ایران یکی از مهم‌ترین راه‌حل‌ها را لزوم تشکیل دولتی باثبات و قدرتمند در افغانستان می‌داند تا با اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای مناسب، شاهد کاهش فقر در این کشور باشیم. بدون شک نسبت کاهش فقر در افغانستان، رابطه مستقیمی با کاهش مهاجرت به ایران و افزایش میل به بازگشت خواهد داشت.

منفی خواهد بود. این مهم از سه منظر کاهش فقر، مقابله با تولید و ترانزیت مواد مخدر و بازگشت مهاجران، دارای اهمیت خواهد بود.

### ۱-۲- کاهش فقر

برآورد سازمان ملل متحد این است که ۹۵ درصد از افغانستانی‌ها با کمبود مواد غذایی روبه‌رو هستند، در حالی که نیمی از جمعیت با «گرسنگی حاد» مواجه‌اند. ارتباط اقتصاد بیمار افغانستان که ۸۰ درصد آن در زمان اشغال این کشور توسط نیروهای نظامی تحت رهبری آمریکا با کمک‌های مالی خارجی تأمین می‌شد، پس از خروج

زنان، شیعیان و تاجیک‌ها، به رسمیت شناخته شود و در اداره افغانستان، از ظرفیت آن‌ها استفاده گردد.

### ۲- افغانستان باثبات و قدرتمند

جمهوری اسلامی ایران در چند دهه گذشته به دلیل بی‌ثباتی و ناامنی در افغانستان، خسارت‌های زیادی را پرداخت نموده است. لذا برخلاف برخی تصورات غلط در مدل مطلوب ایران، افغانستانی قدرتمند و باثبات، تأمین‌کننده منافع ملی جمهوری اسلامی ایران است. عدم ثبات در افغانستان در آینده نیز بدون شک بر منافع و امنیت ملی ایران، دارای تأثیرات

## ۲-۲- مقابله با تولید و ترانزیت مواد مخدر

تولید مواد مخدر در افغانستان از زمان حضور نیروهای خارجی در این کشور، روزبه‌روز در حال افزایش بوده و بیشترین سرریز آن، به دلیل هم‌جواری و مسیر ترانزیت به کشورهای اروپایی، به سوی ایران است. این امر علاوه بر تحمیل هزینه‌های سنگین انسانی مبالغ‌هنگفتی از منابع ایران را صرف مبارزه با مواد مخدر کرده است. از سوی دیگر، رابطه معنادار و مستقیمی میان میزان درآمد حاصل از تجارت مواد مخدر و فعالیت‌های گروه‌های تروریستی وجود دارد؛ زیرا این گروه‌ها از مواد مخدر و سود ناشی از آن زندگی می‌کنند. به نظر می‌رسد که بی‌ثباتی و فقدان دولتی قدرتمند، باعث افزایش تولید و تجارت مواد مخدر در افغانستان شده است. بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران، انتظار دارد که حاکمیت جدید در افغانستان ضمن مقابله با کشت خشکاش و تولید مواد مخدر، جلوی سرازیر شدن منابع مالی

تجارت مواد مخدر به سمت گروه‌های تروریستی را سد نماید.

## ۲-۳- بازگشت مهاجران

سیل مهاجران افغانستانی به ایران از زمان حمله شوروی به این کشور در سال ۱۹۷۹ میلادی و پس از آن در پی جنگ ۲۰۰۱ افغانستان، پیوسته رو به افزایش بوده است. طبق آمار، حدود ۹ تا ۱۱ درصد از جمعیت ۴۰ میلیون نفری افغانستان در ایران به سر می‌برند. با قدرت گرفتن مجدد طالبان در افغانستان و تشدید مشکلات اقتصادی این کشور به علت قطع کمک‌های اقتصادی غرب، شاهد افزایش مهاجرت به سمت ایران بودیم. به علاوه برخی پناه‌جویان افغانستانی از خاک ایران برای مهاجرت به اروپا استفاده می‌کنند که این پدیده، به تنش‌ها و تحمیل هزینه‌های دیگری به ایران در مرزهای شمال غربی و روابط با ترکیه نیز منجر شده است. تحمیل هزینه‌های مالی و غیرمادی این مسئله به ایران، باعث شده است تا تهران، بازگشت این مهاجران به افغانستان را مورد توجه قرار دهد. لذا در صورت شکل‌گیری دولتی

باثبات و قدرتمند در افغانستان، می‌توان به کاهش میزان مهاجرات و درنهایت، بازگشت آن‌ها به افغانستان امیدوار بود.

## ۳- عدم استفاده از خاک افغانستان برای تضعیف امنیت ملی ایران، از سوی دشمنان این کشور و گروه‌های تروریستی

از آغاز جنگ با طالبان در سال ۲۰۰۱، یکی از نگرانی‌های امنیتی ایران در مرزهای شرقی، استفاده آمریکا از خاک افغانستان برای اهداف نظامی، خرابکارانه و جاسوسی علیه ایران بوده است. در مدل مطلوب جمهوری اسلامی ایران، انتظاری می‌رود که با تحقق خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان، شاهد عدم استفاده از خاک این کشور برای ضربه زدن به امنیت ملی ایران باشیم. همچنین، در سال‌های اخیر و با سربرآوردن داعش در سوریه و عراق، ایران به شدت نگران گسترش تروریسم داعشی به مرزهای خود است و از آنجا که داعش، تهدید مشترک ایران و طالبان به شمار می‌رود، تهران تلاش کرده است تا از طریق نزدیکی به طالبان و مذاکره با



این گروه، مانع از نزدیک شدن این تهدید به مرزهای خود شود.

#### ۴- تأمین سهم آب

با توجه به حضور طالبان در استان‌های غربی افغانستان، مذاکره ایران با طالبان، تلاشی در راستای تأمین منابع آب به‌عنوان راه‌حلی برای خشک‌سالی استان‌های شرقی و کمک به حل مسئله اختلاف برانگیز سهم آب هیرمند و هریروند نیز به شمار می‌آید. این مسئله با عنایت به

اثرگذاری مستقیم آن بر امنیت ملی ایران و عدم پرداخت حقیقه توسط افغانستان در گذشته، به شدت مورد توجه جمهوری اسلامی ایران و افکار عمومی این کشور قرار دارد.

#### ۵- تضمین تجارت امن و پایدار

ایران، بزرگ‌ترین صادرکننده به افغانستان است؛ کشوری که دسترسی دریایی ندارد و یکی از بزرگ‌ترین بازارهای

صادرات غیرنفتی ایران است. صادرات ایران به افغانستان، شامل برق، مصالح ساختمانی، دارو و گندم است و سالانه بر اساس برخی آمارها، ۳ میلیارد دلار برآورد می‌شود. لذا یکی از خواسته‌های جمهوری اسلامی ایران، آن است که امنیت تجارت و منافع اقتصادی این کشور در آینده افغانستان تضمین گردد.